

# هکده یکه سیوود

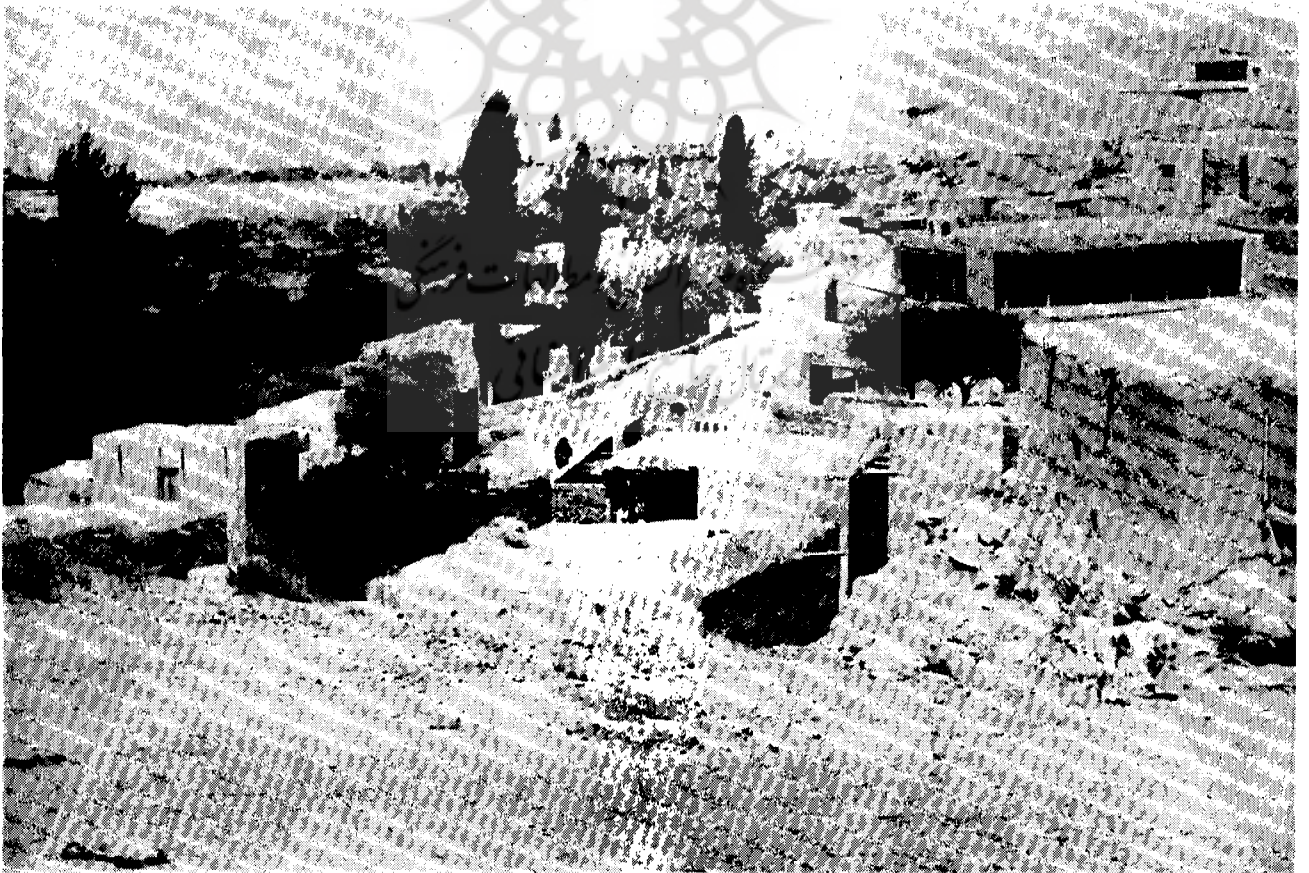
مصطفی صدیق

از انتشارات اداره فرهنگ عامه

در حدود ۳۴۰ نفر می باشد ، که بگوش ترکمنی تکلم می نمایند. مذهب مردم این منطقه ، تسنن (حنفی) است ، علاوه بر آن مذهب، پیرو فرقهی نقشبندی نیز می باشند . در این مقاله پوشاک مردم این سرزمین بطور کامل بررسی شده و دیگر موارد بطور اختصار بیان گردیده است. یادآور می شود که «یکه سیوودها» بجهت دوری از شهر کمتر آداب و عادات شهرها را پذیرفته

دهکدهی یکه سیوود پیرامون جرگلان jarglân در شمال شرقی گنبدکاووس در دامنه‌ی سرسبز کوههای مرز ایران و شوروی افتاده است که بخش بزرگی از خاک شمال ایران را زیر کشت دارد . آب وهوای «یکه سیوود» بعلت کوهپایه‌ای بودن ، زمستان بسیار سرد و تابستان نسبتاً گرم دارد ، جمعیت آن

منظره‌ای از روستای یکه سیوود



شوهر نکرده‌اند موهای خود را هفته‌ای یکبار با آب دوغ می‌شویند و گیسوان خود را می‌بافند و از پشت و جلوی گوشها بر سینه می‌آویزند، آنگاه عرقچین را بر سر می‌گذارند که بگوش محلّی آن‌را «تسخ» یا «تخیسی» Taxa (Taxiya) می‌نامند.

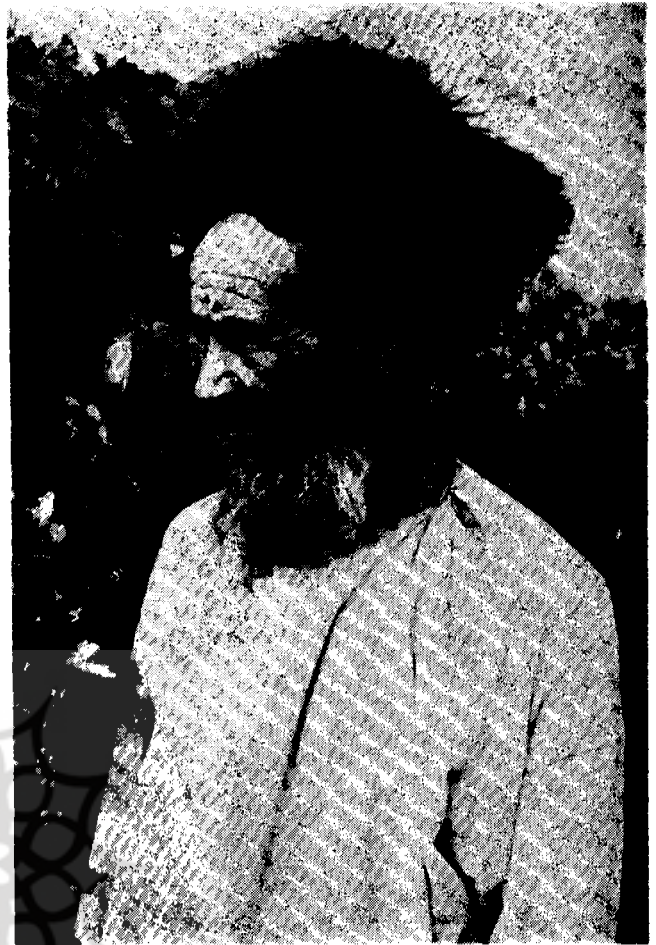
روسی = دستمالی است ابریشمی نازک و برنگ زرد و مشکی ریشه‌دار، که درازا و پهنایش به ۲۵۰ سانتیمتر میرسد و ریشه‌هایش که گرداگرد آن آویزان شده از ابریشم قهوه‌ای رنگ است و آنرا بشکل لچک تا کرده، روی سر می‌اندازند، روسی را ترکمنهای «یکه سیؤود» «یوپک یالیق» می‌نامند. «yupak yâlig»

پیشانی‌بند = هنگامیکه دخترها شوهر می‌کنند پارچه‌ی گلدار قرمز بر سر می‌اندازند. بدینگونه که این بار پس از شستشوی سر، موهای خود را بافته و آنرا به پشت سر می‌افکنند و انتهای آنرا به «ساج باغ»<sup>۱</sup> «sâc bâg» گره می‌زنند آنگاه پیشانی‌بند را به دور سر می‌بندند، پیش از بستن به سر، نخست آنرا بشکل دایره می‌دوزند تا به اندازه‌ی کاسه‌ی سر گردد. البته این رسم ویژه‌ی دخترانی است که تازه عروسی کرده‌اند ولی بیشتر زنان پیشانی‌بند را پیش از بستن به سر، بشکل لچک تا می‌کنند و قسمتی از لبه‌ی آنرا روی پیشانی می‌گذارند و دوسر آزاد آنرا به پشت سر می‌برند و چپ‌وراست از روی یکدیگر رد می‌کنند و روی پیشانی گره می‌زنند، پیشانی‌بند را به گوش محلّ «آلین دانگی» «âlen dângi» می‌گویند.

چش = «caso» چارقند سه گوش ابریشمی است که برنگهای قرمز، مشکی و زرد در یکجه سیؤود بوسیله‌ی زنان بافته می‌شود که بکناره‌ی دوسوی آن ریشه‌هایی که بگوش محلّ «سجک» «sacak» می‌گویند، برنگ قرمز و آبی می‌دوزند و در گوشه‌ی سمت چپ آن گیره‌ایست که هنگام پیچیدن چارقند، روی چانه و دهان و قسمتی از بینی در پشت سر به عرقچین وصل می‌شود، چارقند را بیشتر در روزهای عروسی و میهمانی و جشنها، دختران و زنان بر سر می‌اندازند.

پیراهن = دختران و زنان روستا پارچه‌های پیراهنی خود را با نخهای قرمز ابریشمی با خطوط زرد، مشکی و سفید می‌بافند در ضمن از پارچه‌های گلدار و ساده نیز انتخاب می‌کنند. بالاتنه‌ی آن گشاد و چاک‌ی در حدود ۳۵ سانتیمتر در پیش سینه دارد که از زیر گلو تا زیر پستان می‌رسد و روی آن گل سینه‌ای بشکل آفتابگردان می‌زنند که با نگین‌های رنگی تزیین شده‌است، و قسمتی از چاک پیش‌سینه را با قیطانهای قرمز، زرد و مشکی بهم می‌دوزند بطوریکه هنگام شیردادن

۱- ساج باغ = نخ‌پشمی است با منقوله‌های رنگی که پس از بافتن موی سر به انتهای گیسو می‌بندند.

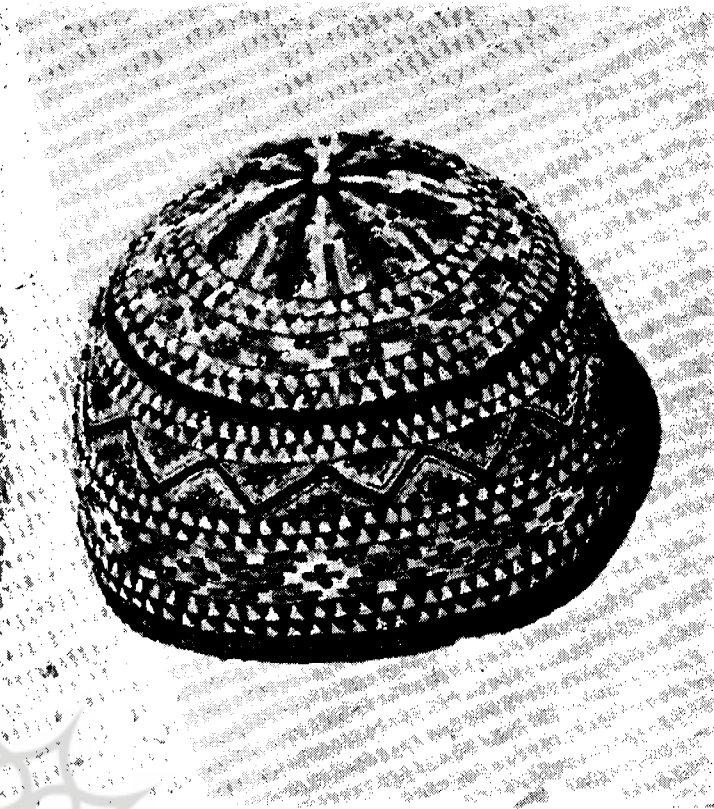


یک روستای ترکمنی

و از دیرباز جامه‌های کهن خود را حفظ کرده‌اند و در جشنها و سوگواریها و دیگر روزها آنها را می‌پوشند مگر جوانترها که گاه از جامه یا پای‌پوش شهری استفاده می‌کنند.

### پوشاک زنان

عرقچین = دست‌دوز دختران و زنان است، نخست دوتکه پارچه‌ی ساده یا رنگین را دایره‌وار می‌برند. و وسط آنها چهار لایه پارچه می‌گذارند و رویهم چرخ میکنند تا محکم شود. آنگاه روی عرقچین را با نخهای ابریشمی قرمز، زرد، آبی و مشکی سوزندوزی و نقشینه می‌نمایند. برای دوختن نقش هر عرقچین ۵۰ گرم نخهای ابریشمی لازم است تا سوزندوزی گردد، هنگام گذاشتن عرقچین بر سر، دختران تا زمانیکه

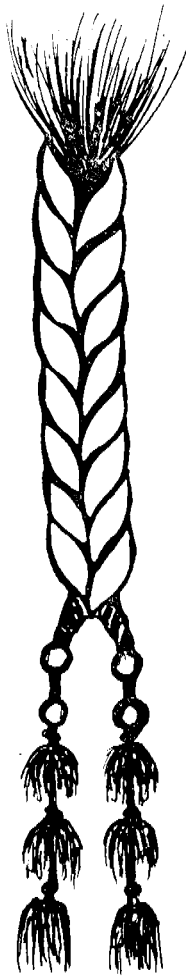


عرقچين تركمني

آرايش گيسوي يك دختر تركمني



چارق با مچ بيچ



بند گیسو ، Sâcbâq

کودک ، نیمی از چاک پیش‌سینه باز می‌شود . در بالای آستین‌ها در زیر بغل ، دوتکه پارچه‌ی سه‌گوش گلدان برای راحتی حرکت بازوها در کارهای روزانه می‌دوزند آستین‌های این پیراهن بلند می‌باشد که از آرنج به سوی می‌ج‌دست رفته تنگتر می‌گردد بگونه‌ایکه آستینها را نمی‌توان بالا کشید . دامن این پیراهن بلنداست ، چنانکه هنگام راه رفتن لبه‌ی آن روی پاها ، کشیده می‌شود .

چاود *câved* «بالاپوش» = زنان روستا بیشتر پارچه‌ی بالاپوش‌هایشانرا از ابریشم قرمز روشن با راههای زرد ، سیاه و سفید از دست‌بافتهای محلی انتخاب می‌کنند و آنرا خود یا دوزندگان روستائی می‌دوزند . پارچه‌ی بالاپوش چندین تخته به‌پهنای ۳۰ سانتیمتر می‌باشد که پس از برش آنرا بیکدیگر می‌دوزند ، بالاتنه‌ی بالاپوش ساده است و از سرشانه‌ها چاک عمودی تا امتداد خط زیر بغل رو به‌پائین درپیش‌سینه دارد که هنگام گرما آستین‌ها را میان «بالاپوش» کشیده و بازوها را از این شکاف بیرون می‌آورند . یقه‌ی بالاپوش گرد و پیش‌سینه‌ی آن سرتاسر باز است و بجای دگمه دوبند ابریشمی در زیر گلو می‌دوزند که هنگام سرما آنها را بیکدیگر گره می‌زنند . گرداگرد یقه و حاشیه‌ی پیش‌روی سینه را با قیطانهای قرمز ، مشکی و سبز سوزندوزی می‌کنند ، آستین‌های بالاپوش بلند و میج آن گرد است . و در دوسوی پائین تنه ، چاک‌ی به‌درازای ۱۵ سانتیمتر دارد که کنارهایش را قیطان‌دوزی کرده‌اند و پیش‌سینه‌ی آنرا نیز با پولک‌های نقره‌ای گرد و چهارگوش با نگین‌های رنگی تزئین می‌نمایند . پارچه‌ی بالاپوش‌های بهاره‌ی زنان از جنس ابریشم و زمستانیشان از مخملهای مشکی و سبز و آبی است .

بالاق «bâlâq» شلوار = شلوار بیشتر زنان روستا از دونوع پارچه‌ی ساده و گلدان رنگی دوخته می‌شود که برای تهیه‌ی آن ۵۰ متر پارچه لازم است «بالاق» با تفاوتهایی در نقش و نوع پارچه همانند شلوار مردان کُرد می‌باشد ، دوخت آن بدینگونه است که هرپارچه‌ی شلوار دوتکه و از میج تا زانو از پارچه‌های ابریشمی قرمز آستر دار است که ۱۵ سانتیمتر آن از میج به بالا سوزندوزی و نقشینه می‌گردد . و آستر آنرا چندین بار رویهم چرخ میکنند و از زانو به‌بعد دیگر بخشهای شلوار از پارچه‌ی گلدان ارزان‌قیمت انتخاب می‌شود و بجای کش در محل کمر آن بندهای پشمی دستباف محلی می‌اندازند .

شال کمر = از پارچه‌ی مشکی ونخی ، درازای آن ۴ متر و پهنایش ۲۰ سانتیمتر است و زنان آنرا بدینگونه گرد کمر می‌پیچند - نخست یک سرشال را در گوشه‌ی سمت چپ شکم نزدیک کمر با دست چپ نگه‌می‌دارند و با دست دیگر شال را یکدور گرد کمر می‌پیچند و از روی سر شال رد می‌کنند

تا دست چپ آزاد شود و آنگاه به‌کمک هر دو دست شال بکمر بسته می‌شود . زنان روستا هنگام‌زایمان شال بکمر خود می‌بندند و باور دارند که بستن شال اعصابشانرا راحت و کمرشانرا محکم و از جلو آمدن شکم جلوگیری می‌کند . شال کمر را بگوشی محلی «قوشاق» *gossâq* می‌گویند .

جوراب = پوشیدن جوراب در میان زنان «یکگه سی‌وود» چندان مرسوم نیست و بیشتر روزهای عروسی جوراب‌مردانه پیا می‌کنند و در زمستان ، جوراب پشمی که دستباف محلی‌هاست . کفش = کفش بیشتر زنان روستا چرمی و زیر آن چند

لایه لاستیک و یا چرم دوخته شده است. پاشنه‌اش بسیار بلند و پشتش باز است و اینگونه کفش‌ها را زنان سالخورده بپا می‌کنند ولی جوانترها هنگام رفتن به میهمانی و عروسی، گالشیهای مشکی می‌پوشند. کفش را بگوشی محلی «کوش» kovus و گالش را «کالوش» kâlus می‌گویند.

### پوشاک مردان

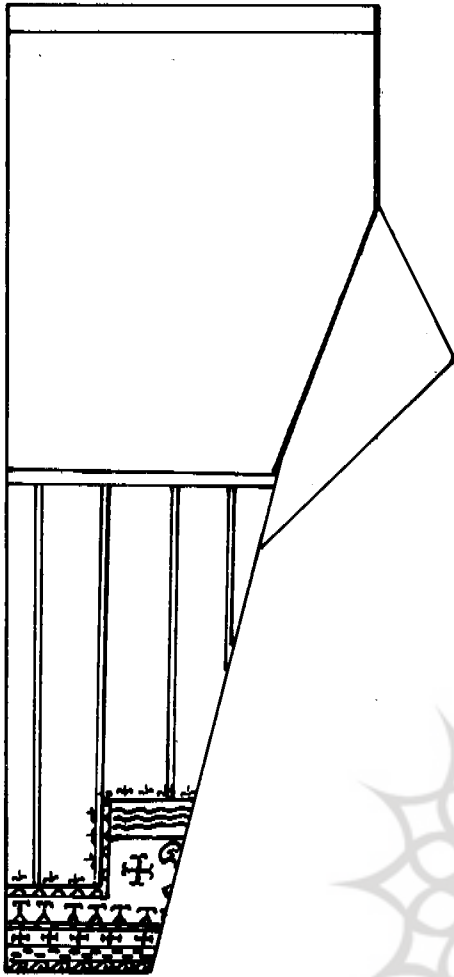
عرفچین = عرفچین کودکان و بزرگان «یکه‌سیؤود» از عرفچینه‌های نقشینه‌ی ساده‌ی دستباف زنان روستائیت که بر سر می‌گذارند و آنرا «بروک» borök می‌گویند.

کلاه پوستی = کلاهی است از پوست بره که بشکل بیضی و گرد در شهر دوخته می‌شود، رویه‌اش از پوست است و میان آن آستری از دپیت مشکی یا طوسی دارد که مردان و جوانان ده آنرا به سر می‌گذارند. پوست کلاه را بیشتر از مشهد، بجنورد، گنبد و تهران وارد می‌کنند و پس از دوخت آنرا در دسترس مشتریان قرار می‌دهند. قیمت کلاه بسته به مرغوبیت جنسی که دارد از ۷ تا ۱۳۰ تومان خرید و فروش می‌شود و مرغوبترین کلاه پوستی ترکمنها بنام «قرکول» garakol معروف است. کلاه را بگوشی محل «تلیق» talpag می‌نامند.

زیرپیراهن = زیرپیراهن مردان، همان عرفگیر شهریت که از بجنورد و گنبد خریداری می‌شود و بیشتر جوانان ده آنرا می‌پوشند ولی مردان سالخورده از پارچه‌ی سفید، زیرپیراهنی دارند که بی‌یقه است و از زیر گلو تا زیر سینه چاکمی به درازای ۲۰ سانتیمتر دارد که با سه دکمه بازوبسته می‌شود. آستینه‌های آن بلند و سر می‌هایش چین‌دار می‌باشد که بر هر یک دکمه‌ای دوخته‌اند، دوسوی دامن آن نیز چاکمی در حدود ۱۵ سانتیمتر دارد، زیرپیراهن را بگوشی محلی «ایچ کینک» icköynak می‌گویند.

پیراهن = پیراهنهای مردانه از متقال یا چلوار ساده و کنتواری و آستین‌دار و بی‌یقه و بلند با چاکمی ۱۵ سانتیمتر در سوی راست شانه می‌دوزند ولی جوانان ده که رفت و آمدی در شهر دارند از پیراهن‌های یقه‌آرو استفاده می‌کنند، در «یکه‌سیؤود» پیراهن را «داش کینک» Das köynak می‌نامند.

صوفی‌پنخ = sufi yaxa پیراهن بی‌یقه‌ایست بنام صوفی که در شانه راست یا چپ آن چاکمی به درازای ۱۲ سانتیمتر باز می‌کنند و بوسیله‌ی دو بند بسته می‌شود، آستینه‌های آن بلند و گشاد و بی‌دکمه است این پیراهن را بیشتر مالاها و «باشولی»های ده می‌پوشند و جنس پارچه آن سفید و گاهی نیز از رنگهای دیگر انتخاب می‌گردد.

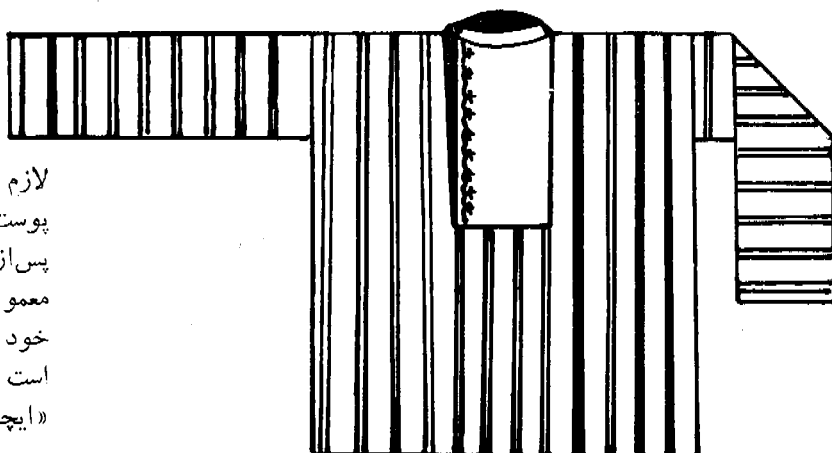


Bâlâq

شلوار ،

دارائی کینک° dârâi köynak = پارچه‌اش از ابریشم قرمز رنگی است با راههای زرد، که بدست زنان ده بافته می‌شود این پیراهن را بی‌یقه و گشاد می‌دوزند، در سمت چپ پیش سینه‌ی آن از یقه، چاکمی به درازای ۲۰ سانتیمتر رو به پایین دارد که دو لبه‌ی آن ۱۰ سانتیمتر قیطان رنگی دوخته‌اند و بجای دکمه، قیطانها را بهم گره می‌زنند، زنان کناره‌های

۲- یاشولی : yâsuli یاش بمعنی رسن ، اولی (uli) بمعنی بزرگ در اینجا ریش سفید معنی می‌دهد .



پیراهن ،

Dârâi Küynak

لازم است چنانچه بخواهند آنرا با پوست گوسفند تهیه کنند پوست ۶ رأس گوسفند و يك بره مورد احتیاج خواهد بود ، پس از تهیه و رنگ آمیزی و دباغی آنها را بشکل پوستین های معمولی بهم می دوزند و مردان در زمستان از روی لباسهای خود می پوشند ، قیمت هر پوستین خوب از ۲۰۰ الی ۳۰۰ تومان است و رنگش سفید یا شتری است پوستین را بگویش محل «ایچمک» icmak می گویند .

زیرشلواری = پارچه‌ی بیشتر زیرشلواریها از دبیت یا پارچه‌های مشکی و سبز و قهوه‌ای است - دوخت آن ساده و لیفه دار می باشد که دوشکاف درلیفه روبروی هم دارد که در آن کش می اندازند و ، بدینگونه می توانند زیرشلواری را همیشه جلو و عقب ببوشند ، شکافهاییکه در لیفه باز کرده اند بگویش محلی «چورمک» cürmak می نامند ، این زیرشلواری در ناحیه کمر بسیار گشاد و هرچه به میج پا نزدیکتر می شود تنگ و چسبان می گردد و آنرا به گویش محلی «ایج بالاق» ıcbâlâg می گویند .

شلوار = پارچه‌ی آن ایرانی یا خارجی است دوختش با زیرشلواری فرقی ندارد با این دگرگونی که تنها پارچه‌ی آن ضمیمه تر از زیرشلواریست و بگویش محلی «داس بالاق» dâs bâlâg می گویند .

شال کمر = از ابریشم قرمز راه راه بافته می شود و بیشتر جوانان ده هنگام پوشیدن پیراهن « دارائی کینک » dârâi köynak شال کمر می بندند . درازایش ۱۵ متر و پهنایش ۳۰ سانتیمتر است و بر لبه‌های آن ریشه‌های مشکی می دوزند که به دور کمر آویزان می شود . شال را بگویش محل «قوشاق» gosâg می نامند .

چاروق = چاروق را از پوست گاو یا شتر تهیه می کنند ، نخست اندازه‌ی پا را روی پوست می کشند و اطراف آنرا باتیغ می برند و آنرا مدت نیمساعت در آب می خیسانند . تا نرم شود سپس سوراخهایی گرداگرد چرم بریده شده ، باز می کنند و نواری چرمی که بگویش محل «باغ چاریخ» bâgçârıx می گویند ، از آن سوراخها می گذرانند ، آنگاه چاروق را به پا می کنند و بندها را می کشند و پس از آنکه چندین بار دور میج پا پیچیدند گره می زنند ، اینگونه کفشها را معمولاً هنگام خرمن چینی ویا آوردن هیزم از صحرا و نیز چوپانها به پا می کنند و آنرا «چاریخ» çârıx می گویند .

دم پائی = کفش چرمی و بی رویه ایست که تنها از چندجا سوراخ می کنند و با بند چرمی بشکل ضربدر به روی پا می افتد

این چاک را درپیش سینه با نقشهای زیبایی سوزندوزی و هنگام دوخت پیراهن ، کوشش می کنند که سمت راه راه پارچه ، جلوی سینه و بازو و سر میج دیده شود ، این پیراهن ویژه‌ی جوانان روستاست .

پالتو = بعضی از مردان در تابستان و زمستان از روی پیراهن ، روپوشی از پارچه‌های فاستونی و ابریشمی بر تن می کنند . این پوشاک را که شبیه سرداری است ، بیشتر ریش سفیدان روستا می پوشند ، جلوی آن سرتاسر باز و می دکمه است و دامنی گشاد دارد که در دوسوی انتهای دامن چاکمی به درازای ۱۵ سانتیمتر بریده اند و گرداگرد آن با قیطانهای رنگی سوزندوزی شده است و آستر آنرا بیشتر از پارچه‌های کرکی گلدان تهیه و کناره‌های جلوی سینه و همچنین گرداگرد دور بقیه را فیطاندوزی می کنند ، آستین این پوشاک بسیار گشاد دوخته شده و دامن آن بلند است بگونه‌ایکه تا روی پاها می رسد و بگویش محلی «قورقاج دن» govargâcdon یا «گییم» geyem می نامند .

روپوش = بالاپوشی است همانند «گییم» geyem که شرح آن در بالا آمد با این دگرگونی که پارچه‌اش از ابریشم است و آنرا بگویش محل «قیرمیز دن» qırmız don می گویند .

پوستین = بالاپوشی است که از پوست گوسفند و بره تهیه می شود ، نخست زنان پوست را با آب تمیز می شویند و پس از اینکه خشک شد آنرا میان آشی که از (آرد ، جو ، نمک ، و دوغ) تهیه می کنند ۵ روز می خیسانند تا نرم شود آنگاه با سنگی پوست را می ساینند تا صاف و تنگ شود و آنرا بامحلول پوست اناری که بشکل پودر درآورده اند رنگ آمیزی می کنند ، برای تهیه‌ی پوستین ، پوست ۹ رأس بره چهارماهه

باد از کجاست  
مهتاب از کجاست  
ماه صنم - ماه صنم

### «ضرب المثل»

- ۱ - ایل به ایلش افتخار می کند ، پرنده به بالهایش .
- ۲ - لاغری علف از بی آبی است .
- ۳ - نان را کودک تمام می کند ، علف را گوساله .
- ۴ - کسی که بخیل باشد باغش سبز نمی شود و اگر هم شد بار نمی دهد .
- ۵ - خانه را آشنا غارت می کند .
- ۶ - کسیکه از گنجشک می ترسد اوزن نمی کارد .
- ۷ - بچه ترکمن اگر یکروز خروس قندی بمکد صد روز سیلی می خورد .
- ۸ - حلوا را حکیم می خورد و شلاق را یتیم .
- ۹ - کسیکه نیش زنبور را نچشد ، قدر عسل را نمیداند .

- ۳ - آق منگلی : نام زنی است .
- ۴ - آغول بک : نام زنی است .

و محکم می شود و اینگونه دم پائی کمتر در آبادی یافته میشود و بگویش محلی «چپک» capak می نامند .  
کفش = کفشهای معمولی مردان «یکه سیؤود» از همان کفشهای شهر است که آنرا «کوش» kovus می گویند .  
مچ بیچ = نخ پشمی است مشکی و سفید ، که زنان ده می بافند و مردان برمچ پا می بندند و تا ساق پا را می پوشاند و بهنگام پیا کردن چاروق ، آنرا به مچ پا می پیچند و بند چاروق را روی آن می بندند تا بتوانند سریعتر راه بروند و هم پاها از سرما در امان باشد .  
جوراب پشمی = زنان جورابهای پشمی را برنگهای گوناگون با نقشهای زیبا و ساقه بلند می بافند و مردان آنرا بیشتر ، هنگام زمستان به پا می کنند و در این فصل بعلت سرمای سخت کمتر جورابهای پلاستیکی می پوشند . به گویش محل آنرا «یون جراب» yunjorâb می گویند .  
ترانهها ، ضرب المثلها و باورهای روستای «یکه سیؤود» که در زیر آورده می شود و بعلت مشکلات چاپ تنها به ترجمه آنها اکتفا شده است .

### ترانهها

اگر هزار دستان آوا سر دهد ، و گلها دهان بشکوفه باز کنند  
اگر روزها - ماهها بگذرد سالها تمام نمی شود  
اگر دست در گردنت بیفکنم هنگامیکه خرامان می گذری  
از ذره جانی که دارم ، دیگر چیزی نمی ماند «آق منگلی»<sup>۳</sup>  
âgmangli

\*\*\*

لاله‌ی زمین و ماه آسمان هستی  
مانند گوهر دنیائی «آغول بک»<sup>۴</sup> ögulbak  
هنگامیکه ترا می بینم چشمانم روشنی دیگری می گیرد  
تو مانند ماه و خورشید منی «آغول بک» ögulbak

\*\*\*

ماه صنم - ماه صنم  
از صخره‌های بلند کوه ، نسیمی می وزد  
و بوته‌های صحرا در خوانند  
پدرم در میان و پسرانش گرد او پایکوبی می کنند  
چه رقص هیجان انگیزی !

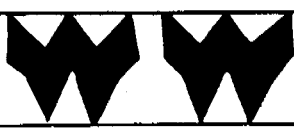
Qovarqâcdon

سرداری ،





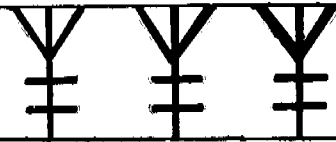
نقش کزدمی



نقش گلدانی



نقش بال پرندهای



نقش پنجه مرغی



نقش تیر تلفنی



نقش گلدانی



نقش تگ مرغی



نقش بند ساعت



نقش ماریچی

نقوش بالا در مچ پای شلوار و عرقچین زنان ، با هنرمندی هر چه بیشتر سوزندوزی میگرد

شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### باورها

خوش یمن است و باور دارند که صاحب گله حضرت موسی است .

۶ - باور دارند اگر کسی ماست بخورد وزیر درخت گردد و بخوابد بزودی خواهد مژد .

۷ - اگر خروسی هنگام ظهر در پاشنه‌ی در آوازی سر دهد باور دارند آنروز میهمان می‌رسد .

۸ - اگر در خواب ماری را بکشند باور دارند که بر دشمنان چیره خواهند شد .

۹ - اگر کسی دندان شتر یا خود شتر را در خواب ببیند باور دارد که فردا عزرائیل جانش را خواهد گرفت .

۱۰ - اگر اسبی را در خواب ببینند باور دارند که حتماً بجائی سفر خواهند کرد .

۱ - ماه صفر را نیک نمی‌دانند و می‌گیرند در بیست و هشتم ماه صفر حضرت محمد بیمار شده و هزارویک بلا از آسمان نازل گردیده است در این روز گوسفندی سر می‌برند و صدقه می‌دهند .

۲ - چهارشنبه‌های ماه صفر را روز سنگین می‌دانند .

۳ - بهنگام رفتن صحرا ، اگر روباهی در میان راه ببینند باور دارند که آنروز کارشان راست نمی‌آید .

۴ - در راه گرگ دیدن را نیک می‌دانند .

۵ - چنانچه شخصی در خواب از میان گله‌ها عبور کند